

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

مؤید بحث تعارض امارات و اصول عملیه

نسبت به بحث دیروز یک جمله را عرض کنم برای تأیید بحث که مفید است؛ و آن این که عرض کردیم بزرگان دو طرف تعارض را معمولاً ادله‌ی حجیت قرار داده و می‌گویند بین ادله‌ی حجیت اماره و ادله حجیت اصول عملیه باید نسبت‌سنجی کنیم ببینیم کدام ورود دارد یا حکومت دارد یا تعارض است؟ ما عرض کردیم مطلب دقیق و صحیح، ملاحظه مفاد هر کدام است؛ و اگر مفاد را ملاحظه کنیم، نسبت، عام و خاص مطلق می‌شود. این مطلب چند مؤید هم دارد. یکی از مؤیداتش این است که شما در جایی که دو خبر با یکدیگر تعارض می‌کنند و می‌خواهید مشکله‌ی تعارض را حل کنید، نسبت سنجی را بین چه چیزی قرار می‌دهید؟ آیا می‌گوئید آن دلیلی که دلالت بر حجیت این خبر دارد با آن دلیلی که دلالت بر حجیت خبر دیگر دارد، با هم تعارض می‌کنند یا اصلاً کاری به دلیل حجیت اینها ندارید، بلکه مفاد این دو خبر را ملاحظه می‌کنید و می‌گوئید نسبت آنها یا عام و خاص مطلق است یا عام و خاص من وجه؟ یا اگر روایتی معتبر یا متواتر معارض با قرآن واقع شود، آیا در اصول می‌گویند بین دلیل حجیت قرآن و دلیل حجیت خبر متواتر تعارض می‌شود؟ هیچ کسی این حرف را نزده است. اگر بین آیه‌ای از آیات قرآن و یک حکم عقلی تعارض به وجود بیاید، کسی نمی‌گوید بین دلیل حجیت قرآن و دلیل حجیت حکم عقل تعارض است. موارد زیادی را مرور کردم و همه جا اصولیین و فقها وقتی می‌خواهند مسئله تعارض را مطرح کنند، مفاد هر دلیلی را با مفاد دلیل دیگر نسبت سنجی می‌کنند، حال چطور شده که در بحث حجیت اماره و اصول عملیه می‌آیند بین دلیلی که اماره را حجت قرار داده و دلیلی که اصل را حجت قرار داده نسبت سنجی می‌کنند؟ معلوم نیست.

بررسی مجرای اصول عملیه

از دیگر مقدمات بحث برائت، بیان مجاری اصول عملیه است. این که مجرای استصحاب، برائت، تخییر و احتیاط کجاست؟ همچنین آیا انحصار به این اصول اربعه، انحصار استقرایی است یا عقلی؟ در این مقدمه، این دو مطلب را می‌خواهیم دنبال کنیم. اما **مطلب اول** مجاری این اصول کجاست؟ آیا ضابطه‌ای داریم برای اینکه معین شود مجرای برائت کجاست؟ به این معنا که اگر در آن مورد، برائت جاری می‌شود، دیگر تخییر و استصحاب جاری نشود. در این رابطه، مرحوم شیخ اعظم انصاری (قدس سره) دو بیان در اول کتاب القطع دارند که یک بیان در متن رسائل است و بیان دوم در حاشیه‌ی بر رسائل است و عده‌ای این بیان را به بعضی از تلامذه شیخ نسبت داده‌اند. بیان سوم نیز در اول بحث برائت دارند. لکن مرحوم آخوند (قدس سره) در متن کفایه بحثی از این مجاری نیاورده ولی در حاشیه رسائل به هر سه بیان مرحوم شیخ

اشکال کرده است که برخی از اشکالات بین بیان اول و دوم مشترک است، و برخی هم بین بیان اول و سوم مشترک است، برخی از اشکالات هم فقط بر بیان سوم است. مرحوم آخوند بعد از این اشکالات، خود در اینجا ضابطه دیگری را ذکر می‌کنند. ما اول سه بیان مرحوم شیخ را ذکر می‌کنیم؛ و فرق میان آنها را هم ذکر خواهیم کرد؛ بعد ببینیم اشکالات مرحوم آخوند و دیگران چیست؟

بیان اول مرحوم شیخ در مورد مجاری اصول عملیه

اما بیان اول، شیخ می‌فرماید: **الشكّ إمّا أن تلاحظ فيه الحالة السابقة**، وقتی شک می‌کنید و دارای حالت سابقی است، یا شارع این حالت سابقه را معتبر می‌داند یا اینکه آن را معتبر نمی‌داند؛ این محور اول. محور دوم این است که در جایی که حالت سابقه لحاظ نمی‌شود، یا احتیاط امکان دارد یا احتیاط امکان ندارد. و محور سوم، در جایی که احتیاط امکان دارد، یا شکّ در تکلیف است و یا شک در مکلفّ به. این می‌شود چهار صورت: اولی مجرای استصحاب است؛ دومی مجرای تخییر است؛ سومی که شک در تکلیف است، مجرای براءة است؛ و چهارمی که شک در مکلفّ به است، مجرای احتیاط است. این بیان اول شیخ.

بیان دوم مرحوم شیخ در مورد مجاری اصول عملیه

اما بیان دوم شیخ، در این بیان، جای محور دوم و سوم عوض می‌شود؛ یعنی محور اول همان محور است در شک، یا حالت سابقه لحاظ می‌شود و یا لحاظ نمی‌شود. در بیان اول، شیخ می‌گفت وقتی حالت سابقه لحاظ نمی‌شود، یا احتیاط امکان دارد و یا امکان ندارد؛ اما اینجا می‌فرماید وقتی لحاظ نمی‌شود، یا شک در تکلیف است و یا شک در مکلفّ به. **الشكّ إمّا أن تلاحظ فيه الحالة السابقة فهو الاستصحاب وإمّا أن لا تلاحظ جایی که حالت سابقه معیار نیست فهو إمّا أن يكون الشكّ في التكليف أو لا** و الاول یعنی جایی که شک در تکلیف است، **البراءة** و الثاني جایی که شک در مکلفّ به است، **إمّا أن يمكن فيه الاحتياط أو لا**، اولی مجرای احتیاط است و جایی که احتیاط امکان ندارد، مجرای تخییر است. پس، فرق بیان دوم و اول ایشان آن است که جای محور دوم و سوم در کلام ایشان جابجا شده است. البته ثمره‌ی عملیه‌اش را ذکر خواهیم کرد، اما فعلاً فرق ابتدایی‌اش روشن باشد.

بیان سوم مرحوم شیخ در مورد مجاری اصول عملیه

می‌آئیم سراغ بیان سوم، عرض کردم این بیان در اول بحث براءة وارد شده است. ایشان می‌فرماید: **إنّ حكم الشكّ إمّا أن يلاحظ فيه اليقين السابق أو لا**، تا اینجا با بیان اول و دوم فرقی ندارد؛ یا حالت یقین سابق هست و لحاظ می‌شود و یا لحاظ نمی‌شود **فالأول الاستصحاب والثاني**، جایی که حالت یقین سابق نیست **إمّا أن يمكن الاحتياط أو لا**، تا اینجا با بیان اول یکسان است، اما عمده در محور سوم است.

در محور سوم در بیان اول می‌گفت جایی که احتیاط امکان دارد، یا شک در تکلیف است و یا شک در مکلفّ به، اما اینجا می‌فرماید جایی که احتیاط امکان دارد، **إمّا أن يدلّ دليل عقلياً أو نقلياً عن العقاب بالمخالفة الواقع المجهول** یا یک دلیل عقلی و نقلی داریم که اگر با واقع مجهول مخالفت کنی عقاب دارد **وإمّا أن لا يدلّ فالأول الاحتياط والثاني البراءة**. این سه بیان که مرحوم شیخ فرموده است. روی این سه بیان دقت کنید انشاءالله فردا عرض خواهیم کرد.

بحث اخلاقي: ولادت حضرت معصومه (سلام الله عليها)

امروز مصادف با ولادت با سعادت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله عليها) است که طلاب و حوزه‌ی علمیه قم نسبت به ایشان دین بیشتری نسبت به سایر مردم دارند؛ و برکاتی که در این 1200 سال گذشته در قم بوده بر محور قبر مطهر فاطمه معصومه (سلام الله عليها) است.

از این جهت، باید این روز را گرامی داشته و توجه بیشتری به این وجود شریف داشته باشیم. و فراوان نقل و تجربه شده که بزرگانی (چه بزرگان از فقها و چه بزرگان از فلاسفه) که ارتباط معنوی خاصی با صاحب این مرقد شریف داشتند، علاوه بر مراتب معنوی در سیر و سلوک، در مسائل علمی نیز موفق‌تر بودند.

ما در میان امامزاده‌هایی که داریم می‌توانیم بگوئیم امامزاده‌ای به عظمت حضرت معصومه (سلام الله عليها) نداریم. شخصیتی که مورد توجه خاص ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) بوده است. قبل از آنکه امام کاظم (علیه السلام) به دنیا بیاید، روایتی از امام صادق (علیه السلام) در مورد زیارت قبر بی‌بی وارد شده به این مضمون که هر کس صاحب این قبر را زیارت کند، اهل بهشت خواهد شد. از امام هشتم (علیه السلام) نیز نظیر این تعبیر وارد شده است.

از امام جواد (علیه السلام) نیز وارد شده که «من زار عمّتی بقم فله الجنة». اینها روشن است و در این معنا تردیدی وجود ندارد که زیارت این قبر، یکی از توفیقات بزرگی است که هر روز برای ما حاصل است، و آثار فراوان دنیوی و اخروی دارد.

حتی این تعبیر از امام هشتم (علیه السلام) وارد شده که «من زارها کمن زارنی» کسی که این بی‌بی را زیارت کند، مثل این است که مرا زیارت کرده است. اگر بخواهیم مقداری بر روی تعبیر «کمن زارنی» دقت کنیم، باید این را بگوئیم تمام روایات بسیار عجیب و بسیار مهمی که در ثواب زیارت حضرت رضا (علیه السلام) وارد شده، همه بر زیارت بی‌بی مترتب است؛ و در جای خود روشن است که ائمه ما (صلوات الله علیهم اجمعین) هیچ گاه در مقام مبالغه و زیاده‌گویی نبودند.

گاه بعضی از افرادی که يك مقدار نقصان معنوی دارند، می‌گویند این همه ثوابی که برای زیارت امام حسین (علیه السلام) در کتب ذکر شده، به خاطر شرایط حکام آن زمان بوده که آنها اجازه زیارت نمی‌دادند و به دنبال از بین بردن این مسأله بودند.

این کاملاً اشتباه است؛ زیارت اباعبدالله الحسین (صلوات الله علیه ورزقنا الله) ان شاء الله چنین نیست که در يك زمانی ثواب فراوانی داشته باشد و در زمان‌های عادی و متعارف بگوئیم این ثوابها را ندارد. در مورد خود امام هشتم (علیه السلام) نیز ظاهراً بزنی نقل می‌کند و در صفحه 566 از جلد 14 وسائل الشیعة آمده که حضرت فرمود «أبلغ شیعتی أنّ زیارتي تعدل عند الله ألف حجة» به شیعه من برسان که زیارت من نزد خدا ثواب هزار حج را دارد.

بزنی این مطلب را برای امام جواد (علیه السلام) نقل کرد، و گویا مقداری استبعاد می‌کرد که امام جواد فرمود: قسم به خدا همین طور است «وَألف ألف حجة» بلکه به اندازه يك میلیون حج ثواب دارد؛ منتهی حضرت این قید را اضافه کردند که: «لمن زاره عارفاً بحقه». که شاید بشود استفاده کرد اگر کسی عارف به حق هم نباشد، اما در حرم حضور پیدا کند و سلام بدهد، باز هم ثواب دارد.

پس، امام هشتم در مورد حضرت فاطمه معصومه (سلام الله عليها) بر حسب روایت معتبر فرمودند «من زارها کمن زارنی»؛ اگر ما باشیم و این تعبیر، می‌گوئیم تمام آثاری که بر زیارت امام هشتم مترتب است، بر زیارت این بانو نیز مترتب می‌شود. این نکته را هم می‌دانید که زیارت حضرت معصومه (سلام الله عليها) از زیارات مأثورهای است که از امام هشتم (علیه السلام) رسیده است. و تعابیر بسیار بالایی در این زیارت معتبر وارد شده است، این عبارت را همیشه می‌خوانیم که «فإنّ لك عند الله

شأناً من الشأن»، این تعبیر عظمت زیادی را برای حضرت معصومه بیان می‌کند؛ و اصلاً از جاهایی است که انسان با ارتباط با آن می‌تواند عاقبت به خیر خود را تضمین کند، زیارت حضرت معصومه (سلام الله علیها) است بر حسب این تعبیری که وارد شده «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ» معلوم می‌شود که این مکان برای استجابت این دعا خصوصیت دارد. دعاها به اختلاف امکان، از حیث استجابت مختلف هستند؛ و هر دعایی در هر جا مستجاب نیست.

اگر انسان کنار قبر عالمی از خدا طلب علم کند، دعایش مستجاب می‌شود؛ اما اگر بروی کنار قبر جاهلی از خدا طلب علم کند، مکان مناسب برای این دعا نیست؛ و لذا، در استجابتش هم اثر می‌گذارد.

مرحوم لاهیجی در کتاب محبوب القلوب دارد که وقتی ارسطو از دنیا رفت، بعد از اینکه بدنش پوسیده شد و استخوانش مکشوف شد، مردم استخوانهایش را جمع کردند و بردند در جای معینی دفن کردند؛ بزرگان و حکمای یونان در آن زمان وقتی مشکل علمی داشتند، می‌آمدند کنار قبر ارسطو می‌نشستند و از همان استخوان‌ها استمداد می‌کردند و نتایجی نیز می‌گرفتند.

اینکه ملا صدرا از کھک برمی‌خیزد می‌آید کنار قبر حضرت معصومه (سلام الله علیها) و مشکلات غامض فلسفی را از حضرت استمداد می‌کند تا حلّ شود، يك امر خیلی روشنی است. از اینجا می‌توان گفت وهابیت که با اساس اسلام و عقل مخالف هستند، باید بفهمند توسل، استمداد از قبور ائمه طاهرین و قبور علما مطلبی نیست که با آمدن شیعه به وجود آمده باشد، بلکه این قضیه‌ای است که در تاریخ نسبت به ارسطو نقل شده است.

والد راحل ما (رضوان الله تعالی علیه) مکرّر می‌فرمودند: آیه‌ی شریفه تطهیر برای ما ابهاماتی داشت، به همین جهت، يك زمانی به حرم مشرف شدم و به حضرت عرض کردم در این تشرّف هیچ حاجتی ندارم جز این که کمکی کنید تا این آیه شریفه را بفهمیم و سؤالات ما در رابطه با این آیه جواب داده شود. فرمودند: بعد از اینکه به منزل آمدم، از همان لحظه بعد از تشرّف، نکات بسیار خوبی برای حل آن سؤالات در ذهنم خطور کرد؛ و مجموعه‌ی آن کتابی شد به اسم آیه التطهیر.

نسبت به این بانوی بزرگ، این نکته را هم عرض کنم که برای خانم‌ها و دختران خودتان نقل کنید که حضرت معصومه (سلام الله علیها) هنوز به ده سالگی نرسیده بودند که عده‌ای از شیعیان خدمت امام کاظم (علیه السلام) آمدند تا سؤالاتی را که در اوراقی نوشته بودند جواب دهند. آمدند درب منزل حضرت که ایشان تشریف نداشتند؛ حضرت معصومه (سلام الله علیها) در منزل بودند، فرمودند اوراقتان را بدهید تا جواب داده شود. اوراق را گرفتند و به خط خودشان تمام سؤالات را جواب دادند.

شیعیان پاسخ سؤالات را گرفتند، وقتی برمی‌گشتند در راه به امام کاظم (علیه السلام) برخورد کردند و قضیه را نقل کردند. حضرت جواب‌ها را ملاحظه کرده و فرمود: تمام اینها صحیح است؛ و همان تعبیری که پیامبر راجع به فاطمه زهرا (سلام الله علیها) داشت را فرمودند؛ گفتند: «فداها أبوها». این جمله، جمله خیلی بزرگی است؛ امام معصوم (علیه السلام) از جانب خود اختیار ندارد که چنین تعبیری را راجع به يك فرد عادی داشته باشد؛ از اینجا معلوم می‌شود که عظمت حضرت معصومه نزد خداوند تبارک و تعالی و پیامبر و ائمه (علیهم السلام) به حدّی بالا بوده که تعبیر «فداها أبوها» را بیان فرمودند.

این خاطره را هم در پایان مطلب عرض کنم و یادی کنیم از مرحوم آیت الله احمدی میانجی که از برجستگان علمی و اخلاقی حوزه بودند.

ایشان می‌فرمودند: یکی از طلاب مدتی در قم بود، خانه هم نداشت، مجبور شد بروی بیرون از قم زندگی کند. روزی به حرم مشرف شد و به حضرت عرض کرد بی‌بی جان ما به عنوان سرباز امام زمان در قم حضور پیدا کردیم؛ من می‌خواهم خانه‌ام کنار شما و نزدیک شما باشد نه بیرون و خارج از قم! به حضرت متوسّل شد. ایشان می‌گفت: این طلبه وقتی از حرم بیرون آمد، آقایی به او رسید و پنج تومان به او داد و گفت این پنج تومان را بگیر، برو به فلان خانه در فلان محله و آن خانه را بخر. من هم پول را گرفتم و پیش خودم گفتم با پنج تومان شاید ده تا نان هم ندهند، چطور می‌شود خانه خرید؟! با این حال، به آن محله رفتم و درب همان خانه را زدم که خانه بزرگی بود. تعجب کردم؛ به آن حاجی گفتم: من می‌خواهم خانه تو را بخرم. آن حاجی بدون

اینکه از من سؤال کند، گفت: قیمت خانه من 45 هزار تومان است. گفت: من رویم نشد که مطرح کنم با چقدر آمدم این خانه را بخرم. از منزل بیرون آمدم. آن حاجی آمد دنبال من و گفت: به همان پنج تومانی که دیروز به تو دادند به تو می‌فروشم. اینها واقعیت است و چیزی نیست که بگوئیم تخیلی باشد. چیزهایی است که زیاد اتفاق افتاده برای افرادی که اهلش باشند.

بنابراین، عرض من این است که در درجه اول، ما در مسائل معنوی واقعاً قدر این قبر مطهر و این حرم مطهر را برای اعتلای معنوی خودمان بدانیم؛ و در درجه دوم، برای اعتلای علمی خودمان، و در درجه بعد، مشکلات مادی و دنیویمان را حل کنیم، و در کنار همه اینها، برای عظمت اسلام و مکتب شیعه و حفظ این انقلاب مقدس که دست‌های فراوانی برای خدشه‌دار کردن و از بین بردن آن وجود دارد و اگر بگوئیم امروز، در زمان ما، در داخل و خارج، صدها برابر زمان امام (رضوان الله تعالی علیه) برای از بین بردن انقلاب دسیسه می‌کنند، حرف درستی است. لذا، یکی از وظایف ما طلبه‌ها دعا برای حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی است.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته